

# عجیب‌ترین اتحاد

## عباس عبدي

اتحاد و اشتراك نظر نسبي نزد غالب نخبگان ايران از هر طيفي و هر حوزه‌اي در مساله سياست است

هنگامي که به وضع ايران نگاه مي‌کنيم با پديده‌هاي عجيبی مواجه ميشويم. يکي از آنها اتحاد و اشتراك نظر نسبي نزد غالب نخبگان ايران از هر طيفي و هر حوزه‌اي در مساله سياست است. اين اتحاد حداقل در عمل ديده ميشود، حتي اگر ريشه‌هاي رسيدن به اين نقطه براي هريك از آنها تفاوت‌هايي داشته باشد. به‌طور کلي نخبگان ايراني به علل گوناگون بسيار ناهماهنگ و پراکنده هستند. بخش مهمي از آنان به‌طور سنتي با حکومت‌ها زاويه دارند، در واقع ميان نخبگان سياسي حاکم با ساير نخبگان شکافي عميق وجود دارد. نخبگان ايراني ميان خودشان نيز ناهماهنگ هستند و کمتر شرايطي را تجربه کرده‌ايم که حرف واحدی بزنند. اين ناهماهنگي ميان نخبگان حوزه‌هاي گوناگون آشکار است، نخبگان اقتصادي با فرهنگي، هر دو با کارآفرينان، با نخبگان مذهبي، علمي و صنفی و حرفه‌اي، پزشکي با مهندسي و... در ارتباط نيستند. نه ارتباط مستقيم دارند و نه در فضاي رسانه‌اي مناسبی زندگي مي‌کنند که از آن طريق ارتباط موثر و وحدت‌بخشي داشته باشند. حتي نوعي خصومت و تحقير کلامي هم ميان برخي از اين نخبگان وجود دارد. همچنين ميان نخبگان برخي از حوزه‌ها هم اين وحدت نظر و اشتراك عملي کمتر وجود دارد که ناشی از فقدان مجامع صنفی و فعاليتهاي صنفی حرفه‌اي است. از سوي ديگر شکاف ملموسي ميان نخبگان ايراني با توده‌هاي مردم ديده ميشود. اين پديده نيز علل خود را دارد. بخشي از نخبگان متأثر از فرهنگ و ارزش‌هاي فرامرزي هستند و قادر به تعامل موثر با جامعه خود نيستند، ضمن اينکه عدم دسترسي به رسانه آزاد و فعاليتهاي عمومي نيز در اين وضعيت موثر است و در ارتباط آنان با توده مردم ايجاد اختلال کرده است. تحليل دقيق اين مسائل را در مقاله «تأثير متقابل تحولات فرهنگي و نخبگان کشور طی ۲۰ سال آینده در پرتو دو سناريوي ادامه وضع موجود يا وضع مطلوب و عقلايي» در سال ۱۳۸۹ نوشته‌ام که در کتاب تازه انتشارم با نام شش مقاله سياسي و اجتماعي چاپ شده است.

در آنجا توضیح داده شده که بیش از ۷۵ درصد نخبگان ایرانی معتقدند که در وضع موجود هیچ نوع اثرگذاری در جامعه ندارند یا این اثر کم است و ادامه آن وضع را تیره‌تر هم می‌دیدند. برای رسیدن به وضع مطلوب پیشنهادهایی شده بود که در حوزه‌های گوناگون باید انجام می‌شد. ولی نکته مهمی که از سال ۱۴۰۰ به بعد رخ داده است، اتحاد نسبی و باورنکردنی نخبگانی میان نخبگان يك حوزه، یا میان نخبگان حوزه‌های گوناگون و نیز میان آنان و مردم است. این اتحادی بسیار عجیب و حتی اثرگذار است و ریشه آن در رفتار حکومت است که همه آنان را با تفاوت‌های فراوان به اجبار زیر يك چتر فراگیر جمع کرده است. حتی نیروهای مذهبی و علاقه‌مند به خود را نیز منفعل کرده است. نمونه آن در مساله نحوه مقابله با حجاب است که بخش‌هایی از مذهبی‌ها را هم عصبانی کرده. البته این اتحاد سلبی است. ریشه آن نیز عملکرد ساختار رسمی است که با عمل خود آنان را در تقابل با وضع موجود متحد کرده است. این وحدت سلبی اگر قادر به ایفای نقش سازنده نباشد، قدرت تخریبی بسیار بالایی دارد. به عبارت دیگر هر کسی از ظن خود مخالف وضع موجود شده است و هرکدام خواب‌های خود را در این مخالفت چنانچه دوست دارند تعبیر می‌کنند. البته تقصیری هم ندارند، زیرا این قدرت و توان عجیب سیاست‌های رسمی در متحد کردن اغلب نخبگان است که در ایران تجلی یافته است. اکنون در شرایطی هستیم که بیشتر نخبگان بر اثر جبر زمانه و جریان تند سیاست به ناچار در يك مسیر مشترك در حال شنا کردن هستند، در نتیجه متحد و همسو به نظر می‌آیند. خطر این همسویی و اتحاد سلبی نخبگان برای حکومت و ساختار سیاسی قطعاً کمتر از شکاف دولت – ملت نیست، زیرا اثرگذاری نخبگان که تولیدکننده فرهنگ و ادبیات و هنر و شعر و اندیشه و منطق هستند، چون سلاحی بُرنده علیه هر چیزی که جلوی آنان باشد عمل می‌کند. به علاوه جلب نظر آنان خیلی سخت‌تر از جلب نظر توده مردم است.

در هر حال از ما گفتن بود، خود دانید.

منبع: روزنامه اعتماد 28 فروردین 1402 □□□□□□